

<div><div> </div><div></div></div>
تاریخ رسیدگی: ۱۰ خرداد۱۳۸۸
شماره دادنامه: ۶/۱۷۷/۶
تجدیدنظرخواه: (ر-ز) به وکالت از (م-د)
تجدیدنظر خواننده: اولیای دم مرحوم (م-ش)
تجدیدنظرخواسته: شعبه چهارم دادگاه کیفری استان مازندران
تاریخ ابلاغ دادنامه به تجدیدنظرخواه: ۷ دی ۱۳۸۷
تاریخ وصول دادخواست تجدیدنظر: ۲۵ دی ۱۳۸۷
مرجع رسیدگی: شعبه ششم دیوان عالی کشور

اشاره

به گزارش سرویس رأی «ماوی»، نشست هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۶ مرداد ۱۳۸۸ موضوع طرح پرونده اضرائی کیفری ردیف ۵/۸۸ در رابطه با اختلاف‌نظر فیما بین هیئت قضایی شعبه ششم دیوان عالی کشور و هیئت قضایی شعبه چهارم دادگاه کیفری استان مازندران در خصوص قتل در ماجرای مزاحمت ناموسی و محکومیت قائل در قصاص در دادگاه بدوی و سپس رد حکم در مرحله تجدید نظر و ارسال آن به هیئت عمومی دیوان عالی با حضور رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل و قضات این دیوان برگزار شد.

خلاصه جریان پرونده

در ساعت ۲۳ مورخ ۲۴ مرداد ۱۳۸۵ یک فقره درگیری در روستای پند بن نتشارود به نیروی انتظامی تنکابن گزارش شده و مأموران جهت بررسی موضوع به محل اعزام که معلوم شده مصدوم به نام محسن- ش به علت جراحات وارده به بیمارستان شهید رجایی انتقال یافته که در بدو ورود فوت نموده است.
ز- م گفته که من قبلا محسن- ش را نمی‌شناختم. حدود یک سال قبل متوجه شدم این شخص با جاری‌ام به نام مریم-د ارتباط نامشروع دارد. مراتب را به برادر شوهرم به نام محمد-د اطلاع دادم. او حتی تا عباس آباد رفته و با این شخص درگیر شده و شیشه مغزاش را شکسته و کار به شکایت و دادگاه نیز رسیده است. شوهرم به من گفت، دیگر با مریم رفت و آمد نداشته باش و تلفن منزلمان را به خاطر مزاحمت زیاد تلفنی قطع کرد که تمام همسایگان مطلع هستند. حدود ۲ روز است تلفن توسط شوهرم نصب گردیده است. در این روز محسن‌ش در چند مرحله در ساعت‌های مختلف با تلفن تماس برقرار کرد. دیروز زمانی که شوهرم نبود این آقا تماس گرفت و ۲۰ دقیقه صحبت کرد و گفت من به تو علاقه دارم.

به من گفت: فردا تماس می‌گیرم.

امروز یعنی ۲۳ مرداد ۱۳۸۵ چند مرحله صحبت کرد و گفت که می‌خواهم بیایم منزل شما. مراتب را به شوهرم گفتم. با بسپح هماهنگ کرد.

حدود ساعت ۱۹امشب دوباره زنگ زد و گفت هرچه زودتر بیایم بهتر است. بسپح گفت ممکن است در آن ساعت برادر شوهرتان بیدار باشند. ساعت ۱۰ شب می‌آیم. حدود یک ربع مانده به ۱۰ شب زنگ زد. گفت می‌آیم. برق ایوان را خاموش کن کسی من را نبینند. شوهرم به اتفاق برادرش مرتضی- در داخل اتاق بودند. بسپچی‌ها در اطراف بودند. برادر شوهر دیگرم به نام محمد که شوهر مریم می‌باشد نیز از ماجرا اطلاع داشت که به همراه بسپچی‌ها مخفی شده بود.

محسن- ش حدود ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه با پیکان آمد و نزدیک منزل ما ایستاد. از دیوار وارد حیاط شد. من در ایوان‌او در دیدم. به من گفت برق حیاط را خاموش کن او به دنبالم وارد منزل شد. روزی طی تماس از من پرسید شوهرت کجاست؟ گفتم امشب به تهران می‌رود.

به من گفت در را کلید کن. من هم در را کلید کردم. به محض کلید کردن با من گلایز شد من فریاد کشیدم. شوهر و برادر شوهرم، مرتضی وارد حال شدند. محسن-ش وقتی آنها را دید به طرف آنها حمله کرد. حتی شوهرم را ضربه زد. در این هنگام مرتضی به درخواست افراد بیرون از منزل در را باز کرد. برادر شوهر دیگرم محمد وارد شد و شروع به درگیری با محسن نمود.

ناگهان دیدم که محمد چاقویی که داخل جیب شلوارش داشت بیرون آورد و شروع به ضربه زدن به محسن نمود، شوهرم نقش زمین شده بود. حتی افراد بسپچی که وارد شده بودند، محسن را دستبند زدند؛ ولی محسن بیحال شده بود، او را بیمارستان بردند، بعد از این که محسن به شوهرم مشنت زد، قصد فرار داشت حتی در بین فرار به شیشه در ورودی حال ضربه زد و شیشه مغز او افتاد زمین، محسن در این هنگام چاقو را از جیب در آورد و شروع به ضربه زدن کرد. با چشم خود دیدم که محمد چند ضربه به محسن زد و کسی دیگر به او حمله نکرد و چاقویی نزد.

محمد-د متهم در اولین بازجویی در ۲۴ مرداد ۱۳۸۵ ضمن انکار ارتکاب قتل اعلام داشت: محسن بنا به دلایل ناموسی قبلاً به دنبال ناموس من بود. در این خصوص حتی پرونده هم در دادگاه و کلانتری عباس آباد داریم. این آقا با همسرم ارتباط نامشروع داشت و قبلاً توسط بستگانم به من گزارش شده بود.

از این شخص عقده فراوان داشتم. من هم داخل منزل برآمدم شدم چند نفری داخل حیاط بودند. از وی سؤال شده چه کسی به محسن- ش با چاقو حمله کرد؟ پاسخ داد من ندیدم چه کسی ایشان را چاقو زد. او به گفته شد همسر برادران به نام زهرام نزد شما حضور دارد. عنوان می‌کند که شما را دیده با چاقو چندین ضربه به محسن زده‌اید. چه می‌گویید؟ جواب داد که این خانم دروغ می‌گوید من ضربه‌ای نزدم. به او گفته شده برادران مرتضی گفته، زمانی که شما از داخل منزل بیرون آمده‌اید در دست شما چاقو بوده، چه نظری دارید؟

گفت این آقا هم دروغ می‌گوید؛ البته من هم در درگیری حضور داشتم. سؤال شده افراد بسپچی نیز گفته‌اند شما با چاقو به مقتول ضربه زده‌اید، چه می‌گویید؟ پاسخ داد: این افراد دروغ می‌گویند.

-چه دلیلی دارد که این افراد نسبت به این مسئله مهم دروغ بگویند؟

پاسخی ندارم بدهم.

خانم زینب- الف همسر مرتضی-د و زن برادر محمد-د در

۲۴ مرداد ۱۳۸۵ در نیروی انتظامی گفته: من به اتفاق خانواده مشغول دیدن تلویزیون بودیم ناگهان صدای داد و فریاد شنیدیم. شوهرم، مرتضی با لباس منزل به طرف صدا رفت. من هم به دنبالش رفتم. در داخل حیاط برادر شوهرم، محمد یک قبضه چاقو که هم اکنون توسط مأموران به رویتم رسید، این چاقو را که در دستش بود به من داد و من زمانی که این چاقو را دیدم، ترسیدم و چاقو را به خواهر شوهرم به نام رقیه دادم. در ادامه گفته: می‌خواهم حقیقتی را بیان کنم و آن این است که محمد- د چاقو را در داخل حال آقای مهدی-د به من داد. اول دروغ گفتم. این عین حقیقت است و من هم از ترس این چاقو را به خواهر شوهرم دادم.

محمد-د در بازجویی بعدی بعد از شرح نحوه درگیری گفته با محسن درگیر شدم و با چاقو به سینه محسن زدم. درگیری ادامه داشت بعد برادران بسپچی آمدند و محسن را بردند بیمارستان. بعد از وارد کردن ضربه بیرون آمدم و آلت قتاله را به عروس خود زینب- الف دادم.

سؤال شده به چه علت چاقو به محسن زدید؟ گفته: به خاطر دفاع و حفظ ناموس خود بوده است. بعد از ارائه چاقو به وی گفته بله همین چاقو بوده که با آن ضربه به محسن وارد کرده‌ام. متهم در بازجویی بعدی بعد از شرح تخلفات و مزاحمت‌های مقتول و نحوه شروع درگیری در شب حادثه گفته از طریق پنجره به داخل اتاق آمدم و در آنجا ۳ یا ۴ ضربه چاقو به ایشان به جاهای مختلف بدن زدم. البته وقتی برادرم می‌خواست با ایشان درگیر شود، یک ضربه محکم به سر برادرم زد و برادرم بیهوش شد و افتاد روی زمین. سپس در حال فرار بود که من رسیدم که این اتفاق افتاد.

پنده به خاطر دفاع از ناموس خودم و برادرم که ایشان قصد تعرض و تجاوز به ناموس برادرم را داشت این کار را کردم. از اولیای دم تقاضای عفو و بخشش دارم. پزشکی قانونی در ۲۴ مرداد ۱۳۸۵ بعد از معاینه جسد و توضیح جراحات وارده بر آن علت فوت را برخورد جسم نوک‌تیز برنده در طرف چپ قفسه سینه در محدوده دنده ۳ و بریدگی دنده که از نوک ریه گذشته و وارد قلب (بطن چپ) و خونریزی وسیع و عوارض ناشی از آن می‌باشد، اعلام نموده‌است.

متهم در مراحل بعدی هم مطالب خود را تکرار کرده و در ۲۸ شهریور ۱۳۸۵ به عنوان آخرین دفاع در دادسرا به وی تفهیم اتهام شده،وی ضمن اقرار به ایراد ضربه منتهی به قتل عمد خود را دفاع قلمداد کرده و بعد از صدور قرار مجرمیت، کیفرخواست به اتهام ارتکاب قتل عمدی صادر و پرونده به دادگاه کیفری استان ارسال و متهم در ۱۵ مهر ۱۳۸۵ مطالب خود مبنی بر ایراد ۴ ضربه با چاقو برای دفاع از خود و ناموس را در محضر قضات دادگاه کیفری بازگو نموده است.

جلسه دادگاه در ۲۴ اسفند ۱۳۸۵ با حضور نماینده دادستان، اولیای دم متوفا به همراه وکیلشان، متهم محمد- د همراه با وکیل مدافعش تشکیل و نماینده دادستان تقاضای صدور حکم شایسته را نموده است.

اولیای دم به اتفاق متقاضی قصاص نفس متهم شده‌اند. متهم بعد از شرح حادثه آن شب گفته: وقتی محسن- ش مرا دید، در حالی که با زن برادرم دست به یقه شدند، یعنی لباس زن برادرم را درآورده بود، وقتی که مرا دید با من هم درگیر شد؛ حتی انگشت شصت مرا شکسته بود، من هم خردی و دفاع از ناموسم با چاقو به بدنش سه یا ۴ ضربه زدم. داخل اتاق افتاد. چاقو را از جایی تهیه نکرده بودم. چاقوی میوه‌خوری بود. همیشه همراهم بود چند ضربه به بدن مقتول زدم. بولی مقتول هیچ وسیله یا آلت قتاله به همراه نداشت.

در هنگام درگیری و یا قبل از آن مست نبودم و سابقه بیماری روانی هم ندارم. از ارتباط مقتول با خانم خوداطلاع داشتم. از هر دو آنها قبلاً شکایت کردم و حتی جریان را با مادر خانم مقتول هم در میان گذاشتم و او شکایت کردم. دادگاه به وی تفهیم کرد. از حادثه از او شکایت کردم. دادگاه به وی تفهیم کرد. محتویات پرونده از جمله اظهارات و اقراریر شما در صفحات ۲۹ و ۳۰ پرونده حکایت از سبق تصمیم بر قتل محسن-ش دارد، چه می‌گویید؟

پاسخ داده من چنین حرفی نزده‌ام. من در جریان موضوع نبودم. واقعت همان است که امروز گفتم. اتهام قتل را قبول دارم ولی قصد قبلی نداشتم. وکیل متهم گفته دفاع به شرح لایحه تقدیمی است. از متهم خواسته شده آخرین دفاع خود را بیان کند. گفته: اتهام قتل عمد را قبول دارم. دست اولیای دم متوفاست که مرا بیخشنند. من به انگیزه دفاع از ناموس (ش) را به قتل رساندم.

دادگاه در ۲۳ خرداد ۱۳۸۶ با حضور اطراف قضیه تشکیل شده و بعد از این که افراد دیگر مطالب خود را بیان نموده‌اند، یک بار دیگر به متهم تفهیم اتهام شده و او اظهارات جلسه قبلی را تکرار کرده؛ اما ضمن بیان سابقه قضیه و ارتباط نامشروع متوفا با همسر متهم و زن برادرش، عمل موکل را دفاع از خود بدون سابقه و تصمیم قبلی دانسته و چون موکلش عمل خود را - به قتل رساندن- مباح دانسته و به دفاع از ناموس بوده خواهان صدور حکم برائتش شده است.

رأی دادگاه

دادگاه در نهایت ختم رسیدگی اعلام و چنین اصدار رأی نموده است: در این پرونده محمد-د فرزند هادی ۲۹ ساله متهم است به یک فقره قتل عمدی مرحوم محسن-ش با آلت قتاله چاقو، دلایل وقوع بزه قتل عمد و انتساب آن به متهم به شرح زیر است:
۱-کیفرخواست شماره..... ۱۳۸۵ صادر شده از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان تنکابن
۲-اقرار و اعتراف صریح متهم بدین شرح که محسن- ش یک سال بود برای همسرم مریم-د ایجاد مزاحمت ناموسی داشت. چندین بار با همسرم تماس تلفنی داشت. چند بار همسرم را سوار ماشین کرده بود. من این موضوع را شکایت کردم و پرونده‌ای در کلانتری عباس آباد موجود و با وساطت دیگران رضایت دادم تا آبرویم بیشتر نرود و تعهد داده بعداً مزاحم ناموس من نشود. دوباره تماس تلفنی برقرار می‌کرد و مزاحم می‌شد. شب حادثه من همان منزل باجناقم بودم. زن برادرم زهرام- م زنگ زد و گفت امشب محسن- ش می‌خواهد بیاید به بسپح اطلاع داده و اطراف منزل بودند من هم رسیدم دیدم محسن مقداری وسیله خریده و با

رأی

رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور:

تکرار مزاحمت ناموسی و نقض حکم قصاص؛ مستند به قاعده درء



کمال آرامش وارد منزل برادرم شد.

چاقو همراه من بود وقتی وارد منزل شد، می‌خواست زن برادرم را بغل کند که برادرم وارد اتاق شد و با وی درگیر شد. محسن می‌خواست از پنجره بیرون برود و شیشه پنجره را شکسته و من از بیرون اتاق نگذاشتم و بعد از طریق پنجره آمدم داخل اتاق و حدود ۳ تا ۴ ضربه چاقو به وی و جاهای مختلف بدن ایشان زدم و بعد از این که من ایشان را چاقو زدم بسپح آمد و ایشان را دستبند زد.

۲-اقرار منطبق با واقع متهم در جلسات متعدد دادگاه کیفری استان ۴-شهادت شهود که وقوع درگیری فیما بین متهم و مرحوم محسن- ش (مقتول) را ثابت می‌نماید.

۵-صورجلسه مورخ ۲۳ مرداد ۱۳۸۵،بازدید صحنه جرم توسط دایره آگاهی شهرستان تنکابن به شرح صفحات ۲۰ و ۲۱ پرونده ۶-گزارش معاینه جسد پزشکی قانونی به شماره ۱۳۳۲/۱۳۳۲ مورخ ۲۴ مرداد۱۳۸۵ که علت مرگ برخورد جسم نوک‌تیز برنده در طرف چپ قفسه سینه در محدوده دنده ۳ و بریدگی دنده ۳ که از نوک ریه گذشته و وارد قلب (بطن چپ) و خونریزی وسیع و عوارض ناشی از آن اعلام نموده است.

۷-صورجلسه کشف آلت قتاله به شرح صفحه ۱۹ پرونده ۸-مدافعات بی اساس متهم و وکیل وی مبنی بر این که به دفاع از ناموس برادرش، مرحوم محسن‌ش را به قتل رسانده، به دلایل زیر مردود و متذف می‌باشد.

الف) متهم همسر خود را در حال زنا یا مقتول مشاهده ننموده تا به تجویز ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی وی را به قتل برساند.

نظر به دادستان کل

با توجه به جامع اوراق پرونده،تحقیقات به عمل آمده توسط ضابطان، گزارش معاینه پزشکی قانونی از جسد، بازسازی صحنه، تحقیقات به عمل آمده توسط قضات در مرحله تحقیقات و دادسی و بررسی مدافعات متهم و بررسی سوابق قضایی مقتول محسن- ش موارد زیر محرز است:

۱-مقتول در صحنه جنایت در پی برقراری تماس‌های مکرر تلفنی با زهرام- م و به قصد برقراری روابط نامشروع و منافی عفت عمومی بوده؛واجود این که مقتول متاهل بوده و در محله دیگری ساکن بوده و مسیری نسبتاً طولانی را طی کرده و شب هنگام از بالای دیوار وارد منزل برادر متهم به قتل شده است.

۲-همسر برادر متهم به نام زهرام- م قبلاً موضوع مزاحمت‌های تلفنی را با وی در میان گذاشته و حضور مقتول در صحنه قتل به اطلاع آقای (د) و بسپح و شورای روستایی بندین نتشارود بوده است.

۳-مقتول در فاصله زمانی حدود یک سال قبل با همسر متهم به قتل طرح رابطه نامشروع ریخته و در این خصوص پرونده قضایی نیز مطرح شده که مؤید وضعیت سوءاخلاقی مقتول و سعی و تلاش وی در جهت به انحراف کشیدن زنان شوهردار می‌باشد.
۴-متهم به قتل پس از درگیری برادرش با مقتول و مضروب شدن وی و به حالت نیمه بیهوشی برادرش وارد درگیری شده و از اولین تحقیقات نیز اظهار کرده پس از مضروب نمودن برادرم از همسرش تقاضا نمود که برهنه شود تا با وی عمل منافی عفت انجام دهد و این امر باعث شد تا در جهت دفاع از ناموس برادرم مبادرت به درگیری و وارد نمودن ضربات چاقو به وی شوم.

با توجه به مراتب شبهه قوی در این که متهم به قتل مقتول را مهدورالدم می‌دانسته و نیز به قصد دفاع از ناموس برادرش مبادرت به این اقدام کرده‌وجود دارد و براساس قاعده فقهی درء و وجود شبهه، اجرای حد محل تأمل خواهد بود.

در ضمن بحث دفاع مشروع نیست تا در تحقق آن شبهه شود و اظهار شود شرایط مربوط رعایت نشده و دفاع مشروع قابل توجیه نمی‌باشد؛ بلکه موضوع مهدورالدم دانستن و قصاص است و مقتول تنها نسبت به متهم به متهم به تجاوز و خیانت و زنای محصنه است و تعهد داده به عدم تکرار جنایت چه بسا به صورت انتقام خواهی از زهرام که نامبرده به شوهر مریم گزارش ارتباط نامشروع را داده و حالا به صورت انتقام و تجاوز و اصرار بر جنایت و درجه اعلامی بی‌حرمتی نسبت به ناموس مردم و بی‌باکی در فحشا و جنایت بر روح تجاوزگر خود صحه می‌گذارد،در هر صورت حکم به قصاص محل تأمل است؛ گرچه دفاع مشروع نیز اثبات نمی‌شود و نتیجه قتل مصداق شبه عمد است و با توجه به این که خود مسلم نباید هدر رود، به نظر پرداخت دینه مطابق مقررات و دستورات شرع انور اسلام بر عهده قاتل است.

بنابراین از آنجا که رأی هیئت قضایی شعبه ششم دیوان عالی کشور مطابق با این مطلب اصدار گردیده؛اینجناب نیز رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور را در چارچوب یاد شده تأیید می‌نماید.

دری نجف آبادی، دادستان کل کشور

۱-اگرچه زنای مرد محسن یکی از مواردی است که مقتول مهدورالدم یا شرعاً مستحق کشتن است؛ ولی قاتل اقرار دارد به این که قصد کشتن نداشته و رابطه مقتول با زنش فراتر از مزاحمت‌های تلفنی و خیابانی نبوده است. بنابراین نامبرده مهدورالدم نبوده و به فرض صحت تماس‌های تلفنی و مزاحمت و یا ارتکاب اعمال منافی عفت دون زنا در صورت محاکم شرعی به گناه اخیر، قتل او واجب نبود که متهم بدون محاکمه و حکم قضایی شخصاً او را به قتل برساند.

۲-علم قاتل به زنا هم به تنهایی مجوز قتل نمی‌شود؛ مگر

این که او را در حال زنا با همسرش ببیند که در این صورت قتل او جایز است؛ اما تا در محکمه اثبات نکند که او مهدورالدم بوده قتل عمد شمرده می‌شود و ما در نحن فیه متهم اقرار دارد که رابطه مقتول با همسرش در حد زنا نبوده و در شب واقعه رابطه مقتول با زهرام در حد زنا نبوده اگر چه در حد تقبیل و مضاجعه نیز با توجه به شروع درگیری در ابتدای امر به محض ورود متهم به منزل و ناهماهنگی اظهارات متهم با سایر افراد حاضر در محل وقوع جرم، محل تأمل است.

۳-متهم اقرار دارد که مقتول را به اعتقاد مهدور الدم بودن هم نکشته، از این رو با توجه به این که مرتکب باید در زمان ارتکاب قتل چنین عقیده‌ای داشته باشد و اقرار متهم به این که قصد قتل را نداشته، وجود عقیده مزبور در زمان وقوع قتل منافی است به علاوه آن که متهم تا این مرحله از رسیدگی چنین ادعایی نکرده‌است.

۴-دفاع مشروع نیز در این قضیه منافی است؛ زیرا دفاع مشروع در صورتی از علل مواجه جرم است که آن را براساس حق یاکیف یا دفاع تفسیر نماییم و در این موارد اثبات آن به عهده دافع است، در حالی که در این قضیه متهم و برادرانش با هماهنگی‌های به عمل آمده زمینه وقوع جرم را آفریدند، متهم را به منزلشان دعوت کردند، راه فرار او را با قتل نمودن در حال به شرح مذکور در صفحه اول پرونده بستند و با وصف فرار متهم و حضور مأموران در محل او را کشند.

چنین قتلی با توجه به مراتب اشعاری معقول و منطقی به نظر نمی‌رسد؛ازاین‌رو دادگاه با توجه به مراتب مذکور و احراز قتل عمد بنا به دلایل مذکور به استناد بند (ج) ماده ۲۰۶ و مواد ۰۵، ۰۹، ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷،